

ایران و همسایگان عربش

امنیت خلیج فارس و نظم نوین منطقه‌ای

نوشته: مرتضی انصاری دزفولی عضو گروه تدریس و تحقیق در دانشکده حقوق دانشگاه «رمس» فرانسه

و حزن‌انگیز کودکان، زنان و سالمندان عراقی هستند و اقدامی برای پایان بخشیدن به این وضع ناهنجار به عمل نمی‌آورند.

البته تضعیف توان جنگی عراق و بویژه تلاش شورای امنیت برای نابود کردن قدرت اتمی و شیمیایی آن کشور، به گونه‌ای انکارناپذیر به سود کشورهای منطقه بخصوص ایران که در جریان جنگ تحمیلی، ناجوانمردانه هدف حملات متعدد شیمیایی ارتش عراق قرار گرفته و با سکوت مجامع بین‌المللی روبرو شده و این تجربه تلخ را از سر گذرانده است ارزیابی می‌شود. از میان رفتن چنین تهدیدی فی‌نفسه می‌تواند عاملی برای برقراری جو عادی در منطقه محسوب گردد. لکن امکان سوء استفاده برخی عناصر متأثر از قدرتهای خارجی از شرایط موجود و زمینه‌ای که برای ایجاد اغتشاش و ناامنی در منطقه از طریق یک رشته عملیات در مناطق شرقی و شمال شرقی عراق فراهم آمده نمی‌تواند مورد توجه مقامات ایرانی قرار نگیرد.

در واقع هرگونه تلاش به منظور تغییر مرزها در هر جای منطقه و نیز برهم خوردن یکپارچگی کشور عراق و بی‌آمدهای احتمالی آن برخلاف مصالح کشورهای منطقه و تهدیدی برای امنیت ملی ایران تلقی می‌شود.

با توجه به مسائل مطروحه، نگرش جدیدی به اوضاع منطقه ضرورت پیدا می‌کند. این مقاله حاوی پیشنهادهایی در زمینه روابط ایران و همسایگان عربش در کرانه خلیج فارس است. در منطقه خلیج فارس، ایران با دو کلیت روبروست: کشورهای عضو «شورای همکاری خلیج فارس»، و عراق. لذا روابط ایران را با هر یک از آنها مورد بررسی قرار می‌دهیم.

نظامی همه‌جانبه و گسترده‌ای زد و به خاک ایران تجاوز کرد. با پایان یافتن این جنگ تحمیلی که بسیاری از سرمایه‌های انسانی و ثروت‌های صنعتی و مالی دو کشور را به هدر داد، سرانجام با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت امید برقراری صلحی پایدار در منطقه از نوها گرفت.

اما با حمله ناگهانی عراق به کویت و اشغال نظامی آن کشور در دوم اوت ۱۹۹۰ (۱۱ مرداد ۱۳۶۹) دوره جدیدی از تشنج در منطقه آغاز شد.

مهم‌ترین ویژگی این دوره، باز شدن پای بیگانگان به خلیج فارس و گسترش نفوذ آمریکا در این منطقه می‌باشد. نیروهای چند ملیتی تحت عنوان اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل به رهبری فعال آمریکا در منطقه مستقر شدند و در پی شکل بخشیدن به نظم آمریکائی زیر پوشش «نظم نوین جهانی» برآمدند. و هم اکنون محور ریاض - واشنگتن که پس از این رویداد فعال تر از همیشه شده است سعی در گسترش همه جانبه نفوذ خود در منطقه دارد.

بخش بزرگی از توان صنعتی و نظامی عراق در اثر بمباران شدید نیروهای چند ملیتی کاملاً از میان رفته و با محاصره اقتصادی آن کشور که اینک سومین سال خود را می‌گذراند سعی بر تضعیف هر چه بیشتر ملت ستمدیده عراق می‌شود. این در حالی است که اسرائیل یعنی تنها کشور خاورمیانه که مجهز به سلاح اتمی است، برای مدتی طولانی از خطر احتمالی عراق رها شده و آمریکائی‌ها از تسلط خود بر شریانهای حیاتی صنعت و اقتصاد غرب و ژاپن و مهم‌ترین منبع درآمد کشورهای منطقه - نفت - بسیار خرسندند. دولت‌های غربی نظاره گر مرگ تدریجی

●● امنیت خلیج فارس و تعادل نیروها در این منطقه که در محاسبات ژئواستراتژیکی (جغرافیایی) بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای دارد عمدتاً با نقش ایران و عراق و روابط این دو کشور با یکدیگر یا رابطه یکی از آنها با کشورهای همسایه بستگی تام پیدا می‌کند. از زمان حکومت عثمانی و نیز پس از بدل شدن مستعمرات آن به کشورهای مستقل، مسئله مرزهای ایران و همسایه غربی‌اش همواره یکی از عوامل اساسی تشنج بین دو کشور و بی‌ثباتی منطقه بوده است.

پس از قرارداد (۱۳۵۴) ۱۹۷۵ الجزایر امید می‌رفت که روابط ایران و عراق کاملاً عادی شود و احتمالاً گسترش یابد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تاثیر معنوی آن بر مردم مسلمان منطقه، بخصوص بر بخش عظیمی از جمعیت شیعه مذهب عراق که تحت شرایط سختی به سر می‌برند رژیم بعثی موقعیت خود را متزلزل دید. لذا برای تثبیت موقعیت خود در داخل و به امید بهره‌برداری از عدم آمادگی ارتش ایران در ابتدای انقلاب، با بهانه قرارداد برخی مسائل جزئی و استفاده از تبلیغات گسترده، به زمینه‌چینی پرداخت و به منظور فروپاشاندن نظام جمهوری اسلامی ایران، برخلاف تعهدات مندرج در قرارداد الجزایر، در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (سپتامبر ۱۹۸۰) دست به حمله

الف - ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

«شورای همکاری خلیج فارس» متشکل از عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان، بعنوان واکنش این کشورها در برابر جنگ عراق و ایران و در بجهت این جنگ در سال ۱۹۸۱ رسماً پا گرفت.

هدف اساسی این شورا تضمین امنیت منابع نفتی و آزادی کشتیرانی در منطقه خلیج فارس و نیز جلوگیری از گسترش جنگ ایران و عراق عنوان می‌شد. بدین منظور، کشورهای عضو، تشکیل نیروی نظامی مشترکی را پیش بینی کردند.

اشغال کویت بوسیله ارتش عراق و ناتوانی «شورای همکاری خلیج فارس» در جلوگیری از آن، عدم کارآئی شورا را ثابت کرد. برخلاف آنچه ممکن است در ابتدا به نظر آید، کشورهای عضو شورا با وجود موارد تشابه بسیار، دارای منافع، اهداف و سیاست‌های همسو نیستند و اختلافات گوناگون بویژه بر سر مسائل مرزی با یکدیگر دارند. این کشورها که ظاهراً زیر نفوذ عربستان سعودی قرار داشتند امروزه هر یک جداگانه با امضاء توافق نامه‌های نظامی خود را زیر چتر حمایتی آمریکا قرار داده‌اند. نزدیکی آنها با ایالات متحده به اندازه‌ای است که برخی محافل سیاسی اروپای غربی از بکار بردن اصطلاح

«مستعمرات آمریکائی»^۲ برای مشخص کردن این قسمت از کره زمین ابا ندارند.

با وجود اختلاف نظر در زمینه خط مشی نفتی^۳ بین کشورهای عضو شورای همکاری که صادرکننده نفت هستند،^۴ سیاست غالب مبتنی بر افزایش تولید با توجه به نیازهای ملی بوده است.

این سیاست که از جانب عربستان سعودی، دومین تولیدکننده نفت جهان، هدایت می‌شود، بر افزایش تولید بدون در نظر گرفتن کاهش قیمت نفت استوار است بطوری که بر اثر اجرای این سیاست و افزایش بی‌رویه تولید و کاهش تقاضای آن، هر بشکه نفت در حال حاضر چند دلار پائین‌تر از بهای تعیین شده بوسیله اوپک در بازارهای جهانی به فروش می‌رسد.

عربستان سعودی در سال ۱۹۹۰ برای بر کردن خلاء ناشی از عرضه نشدن نفت عراق و کویت، تولید نفت خام خود را که سال قبل از آن ۵/۴ میلیون بشکه در روز بود به ۸/۵ میلیون بشکه در روز افزایش داد و جلوی بالا رفتن قیمت را گرفت. اکنون نیز با وجود از سر گرفته شدن تولید نفت کویت،^۵ از میزان تولید خود نکاسته است. این درحالی است که براساس گزارش سالانه سازمان ملل متحد، ظرفیت تولید نفت اوپک در سال ۱۹۹۵ میلادی ۸/۱ میلیون بشکه بیش از تقاضای آن خواهد بود. (جدول شماره ۱)

افزایش بی‌رویه تولید نفت خام باعث پائین آمدن قیمت واقعی آن شده است بطوری که درحال حاضر بهای نفتی که بوسیله کشورهای

صنعتی خریداری می‌شود کمتر از قیمت آن در سال ۱۹۷۴ یعنی ۱۹ سال پیش است. برای نمونه، صورتحساب نفتی فرانسه در سال ۱۹۸۰

(یکسال پس از پیروزی انقلاب اسلامی) ۲۶۰۰ فرانک برای هر تن بوده^۶ درحالی که این کشور در سال ۱۹۹۲ (۱۳۷۱) برای همان مقدار نفت،

تنها ۷۱۲ فرانک پرداخته است. بنابراین، بدون در نظر گرفتن کاهش ارزش ارز مورد نظر، درآمد کشورهای تولید کننده نفت در این مدت به یک

سوم تقلیل یافته است. حائز اهمیت است که کشورهای صنعتی کاهش قیمت نفت را بلافاصله با بالا بردن مالیات بر محصولات

نفتی جبران کرده و ضمن جلوگیری از بالا رفتن مصرف آن در بازارهای داخلی درآمدهای خود را افزایش می‌دهند .

بدین ترتیب، بخش عمده بهای بنزینی که در اختیار مصرف کننده اروپائی قرار می‌گیرد مالیاتی است که دولت بر آن بسته است. برای مثال، ۸۰ درصد قیمت بنزین «فرانسوی» به جیب دولت فرانسه ریخته می‌شود.^۷

روشن است سیاستی که از سوی عربستان



۲۰۰۰	۱۹۹۵	۱۹۹۱	
۲۹/۲	۲۵/۷	۲۲/۷	تقاضا برای نفت خام اوپک
۳۷/۵	پ ۲۳/۸۱	الف ۲۳/۶	ظرفیت تولید نفت خام اوپک
۸/۳	۸/۱	۰/۹	اضافه تولید اوپک
۷۷/۷	۷۵/۹	۹۶/۳	درصد بهره‌برداری از قدرت تولیدی

● جدول شماره ۱
تخمین ظرفیت تولید
نفت اوپک
(میلیون بشکه در روز)

الف - بدون در نظر گرفتن قدرت تولیدی عراق و کویت
ب - با احتساب قدرت تولید عراق و کویت در سطح قبل از جنگ
منبع: دبیرخانه سازمان ملل، بخش توسعه اقتصادی - اجتماعی براساس داده‌های
«OPEC in the 1990s» منتشر شده از سوی Ian Seymour در Middle East
Economic Survey مورخ سوم ژوئن ۱۹۹۱. در «گزارش سالانه سازمان ملل -
۱۹۹۲».

تا با استظهار به آن تمامیت ارضی ایران را مورد
سئوال قرار دهند، و از این طریق موجبات ناامنی
بوی ثباتی منطقه را فراهم سازند، البته وجودشان
عاملی اساسی در جهت ایجاد تشنج محسوب
می‌شود و حضورشان در منطقه به عنوان تهدیدی
بالفعل و مستقیم نسبت به جمهوری اسلامی
ایران ارزیابی خواهد شد.

جمهوری اسلامی ایران در جریان اشغال
کویت بوسیله عراق ثابت کرد که خواهان صلح و
آرامش منطقه است و خود را ملزم به رعایت حق
حاکمیت کشورهای منطقه می‌داند. دفاع ایران
از تمامیت ارضی کویت در تابستان ۱۳۶۹،
پافشاری بر تخلیه این کشور از قوای اشغالگر، و
بخصوص تلاش برای برقراری روابط عادی و
دوستانه با عربستان سعودی و گسترش روابط با
دیگر اعضای «شورای همکاری خلیج فارس» از
راه توسعه همکاری‌های اقتصادی، نمایانگر
اراده ایران به تشنج‌زدایی و استقرار صلح در
منطقه می‌باشد.

در چنین شرایطی جای تأسف است که بخش
بزرگی از ثروتهای منطقه صرف خرید
جنگ افزارهای نظامی شود و ضمناً چنین وانمود
گردد که جمهوری اسلامی ایران به سرعت در
حال مسلح شدن به انواع و اقسام سلاحهای
جنگی بوده و از رقبای خود پیشی گرفته است.
با نگاهی به جدول شماره ۳ می‌توان به
روشنی دریافت که خریدهای نظامی ایران به
مراتب کمتر از خریدهای عربستان سعودی (کمتر
از ۱/۶٪) و کویت (کمتر از ۱/۴٪) و حتی کمتر از
خریدهای نظامی امارات متحده عربی بوده و این
در حالی است که ایران پس از پایان جنگ ۸ ساله

تحریم کرد و نیروهای نظامی خود را از «سپهر شبه
جزیره العرب»^۹ فراخواند.
از طرف دیگر بحرین که از حمایت
عربستان برخوردار است، با قطر اختلافات
ارضی دارد. همانگونه که گفته شد، عربستان
سعودی با کویت^{۱۱} نیز مشکلات مرزی دارد. در
مورد اختلافات کویت و عراق بر سر مرزها
نیازی به توضیح نیست.

در چنین شرایطی سیاست خارجی جمهوری
اسلامی ایران که بر پایه حسن همجواری و
احترام به حق حاکمیت کشورهای منطقه و عدم
مداخله در امور داخلی آنها استوار است
نمی‌تواند عوامل بی‌ثباتی در منطقه را نادیده
انگارد. لذا از نظر ایران، اختلافات مرزی
کشورهای عربی کرانه خلیج فارس می‌بایست از
طرق مسالمت‌آمیز و در جوی آکنده از صمیمیت
و دور از هرگونه سلطه‌طلبی حل و فصل شود.
وجود نیروهای بیگانه در منطقه نباید دست‌آویز
برخی از کشورهای عربی برای تحمیل
دیدگاههای خود به همسایگانیشان باشد.
جمهوری اسلامی ایران وجود نیروهای نظامی
بیگانه و غیر مسلمان در منطقه را مغایر با حقوق
حقه خود می‌داند. لیکن تا زمانی که آنها در
چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت و به منظور
کنترل توان نظامی و اتمی و شیمیایی عراق عمل
کنند و در امنیت کشتیرانی در خلیج فارس
اخلال نمایند، به مصداق «بد، بهتر از بدتر
است»، حضورشان قابل تحمل خواهد بود، گرچه
به سختی. اما اگر حضور نیروهای بیگانه در
خلیج فارس به صورت پشتوانه‌ای برای برخی از
کشورهای عربی کناره جنوبی خلیج فارس درآید

سعودی هدایت می‌شود به زیان تولیدکنندگان
نفت می‌باشد و جمهوری اسلامی ایران برای
اصلاح این سیاست، در چارچوب اوپک، تلاش
می‌کند.

عقد قراردادهای دوجانبه امنیتی میان آمریکا
و بیشتر کشورهای منطقه و نیز حضور فعال
نظامیان آمریکائی در منطقه نشان دهنده حمایت
ایالات متحده از این سیاست می‌باشد.

گذشته از سیاست نفتی تحمیلی بوسیله
عربستان سعودی، کشورهای عضو شورای
همکاری خلیج فارس دارای اختلافات ارضی
قابل توجهی نیز هستند.

عربستان سعودی با ۲،۱۴۹،۶۹۰ کیلومتر
مربع مساحت بزرگترین کشور شبه جزیره بوده و
قریب دو سوم آنرا فرا گرفته است. این کشور با
دیگر کشورهای شبه جزیره دارای اختلافات
مرزی است. از جمله بر سر مناطقی با یمن در
جنوب، با امارات متحده عربی و قطر و بحرین در
شمال شرقی و با عراق در شمال بر سر منطقه
بیطرف اختلاف دارد. بعلاوه این کشور به
بعضی از مناطق کویت نیز چشم دوخته است.

مذاکرات مربوط به تعیین مرزهای عربستان
سعودی و یمن که در پانز سال گذشته آغاز شده
همچنان ادامه دارد. براساس قرارداد ۱۹۳۴
(۱۳۱۳) طائف مناطقی از یمن^۸ که سرشار از
منابع نفتی است برای مدت محدودی در اختیار
عربستان قرار گرفت. این قرارداد در سال ۱۹۷۴
برای ۲۰ سال دیگر تمدید شده است. در نتیجه،
در سال ۱۹۹۴ از اعتبار خواهد افتاد. عربستان
تلاش می‌کند با فشار آوردن بر یمن این قرارداد
را مجدداً تمدید کند. از سوی دیگر،
زدو خوردهای مرزی عربستان و قطر در سپتامبر
۱۹۹۲ (شهریور ۱۳۷۱) نمایانگر اختلاف‌های
این دو کشور با یکدیگر می‌باشد. به دنبال شدت
گرفتن اختلافات دو کشور، قطر موافقتنامه
مرزی ۱۹۶۵ میان دو کشور را به صورت
یکجانبه لغو کرد.

اختلافات ارضی دو کشور از جمله بر سر
خلیج خورالعبدید و نیز منطقه‌ای است که بین
قطر، عربستان و امارات متحده قرار دارد. با
کنترل منطقه اخیرالذکر در جنوب شرقی قطر
بوسیله سعودی‌ها، ارتباط مستقیم زمینی بین
قطر و امارات قطع می‌شود. همچنین عربستان
سعودی با ایجاد شکاف در میان حکام قطر در
امور داخلی آن کشور مداخله می‌کند. شدت
اختلافات در سال ۱۹۹۲ به اندازه‌ای بود که قطر
بسیاری از جلسه‌های سران شورای همکاری را

از رژیم هادیده می‌شود، در مورد ایران و عراق نه به عنوان علتی مستقل بلکه به مثابه تابعی از اختلافات مرزی و کشور عمل کرده است. مثلاً از زمان استقلال عراق در سال ۱۹۳۲ تا ژوئیه ۱۹۵۸ که عبدالکریم قاسم رژیم سلطنتی هاشمی را در عراق سرنگون کرد، روابط ایران و عراق خالی از تشنج نبوده است.^{۱۲} استقرار حکومت بعثی در عراق و جنگ تبلیغاتی آن علیه ایران، روابط دو کشور را بحرانی کرد و حتی منجر به زدوخوردهائی نظامی در مرزها گردید، اما در آن زمان نیز ایران خواستار بهبود روابطش با عراق بود.^{۱۳} پس از عقد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر روابط دو کشور آرام شد و امید می‌رفت که گسترش نیز پیدا کند اما دیری نمانید که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران رژیم عراق به بهانه‌های واهی و با زیرپا گذاشتن تعهدات بین‌المللی به خاک ایران تجاوز کرد.

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بوسیله جمهوری اسلامی، آتش بس برقرار شد و هم‌اکنون دو کشور در حالت نه صلح و نه جنگ به سر می‌برند؛ وضعیتی که به نفع هیچ‌یک از طرفین نیست و شکنندگی ثبات منطقه را نمایان می‌سازد و لو بتوان ادعا کرد که در حال حاضر احتمال درگیری نظامی گسترده بین کشورهای حوزه خلیج فارس عملاً وجود ندارد مگر آنکه آمریکائی‌ها بخواهند با توسل به بهانه‌هایی و بقصد تحکیم موقعیت خود، مستقیم یا غیر مستقیم، دست به تحریکاتی علیه منافع ایران بزنند. لذا با توجه به ناچیز بودن احتمال درگیری نظامی، شایسته است که بر پایه اصل «برابری همه کشورهای منطقه» اقداماتی به منظور تحکیم روابط آنها به عمل آید.

در این راستا، مانع اصلی در راه عادی شدن روابط ایران و عراق، نبودن یک پیمان صلح پایدار بین دو کشور است که لزوماً دستیابی به آن با بازگشت به مفاد قرارداد ۱۹۷۵ میسر خواهد بود.

بر جمهوری اسلامی ایران است که برای انعقاد قرارداد صلح تلاش کند و دیپلماسی خود را در این زمینه به کار گیرد. در این مورد دو نکته حائز اهمیت است. اولین نکته مربوط به سرنوشت رژیم فعلی عراق است. بر کسی پوشیده نیست که آمریکا و حامیان منطقه‌ای اش در پی سیاست به زانو درآوردن عراق خواهان استقرار رژیمی صددرصد غرب‌گرا در این کشور می‌باشند. گذشته از عواقب احتمالی چنین رویدادی برای جهان عرب و مردم مسلمان عراق، این مسئله نمی‌تواند توجه ایران را بخود جلب

استقرار نظم و ثبات در منطقه می‌باشد. لیکن ایران که در واقع ستون اصلی امنیت منطقه محسوب می‌شود در نظر ندارد به تنهایی ضامن امنیت حوزه خلیج فارس باشد. بویژه آن که کشورهای عرب و خاصه عراق پیوسته عامل بی‌ثباتی و تشنج در منطقه بوده‌اند.

ب - ایران و عراق

عراق همواره در به خطر انداختن امنیت خلیج فارس نقش مؤثری داشته است. بدین ترتیب، بررسی جدی مسائل مربوط به امنیت منطقه بدون مطالعه وضعیت این کشور امکان‌پذیر نخواهد بود. وضعیت عراق را می‌توان از دوزاویه مرتبط با هم در نظر گرفت. ابتدار روابط آن کشور با ایران و سپس چگونگی دستیابی آن به آبهای خلیج فارس را بررسی خواهیم کرد.

عراق، با سابقه تمدنی کهن، روزی بخشی از سرزمین بزرگ ما را تشکیل می‌داده است. مردم عراق که بیش از ۲۰ میلیون نفر و اکثراً شیعه مذهب هستند وجوه اشتراک زیادی با ایرانیان دارند. نزدیکی دو ملت همسایه در زمینه دین و فرهنگ نیازی به توضیح ندارد. علاوه بر آن، ایران و عراق از لحاظ اقتصادی منافع مشترک زیادی دارند و از سیاست‌های کم‌وبیش مشابهی پیروی می‌کنند. برای نمونه، می‌توان از سیاست نفتی آنها در اوپک که براساس افزایش بهای نفت خام صادراتی استوار است یاد کرد. با وجود این وجوه تشابه و اشتراک، دو کشور به ندرت دارای روابط عادی بوده‌اند. در اینجا سعی بر این نیست که بر شخص خاصی به عنوان عامل تشنج در مناسبات دو کشور انگشت گذاشته شود؛ عامل هر که بوده یا هست، به نظر می‌رسد مانع اساسی برقراری و گسترش روابط میان دو کشور که هر یک به سهم خود می‌تواند نقش مؤثری در امنیت منطقه بازی کند همانا اختلافات مرزی بوده است. می‌توان تصور کرد که اصولاً خطوط مرزی کشور عراق - که در سال ۱۳۰۰ تاسیس شد و در سال ۱۳۱۱ به استقلال (ظاهری) دست یافت - و ایران، از آغاز به گونه‌ای ترسیم شده که برقراری صلح پایدار میان دو کشور آرزونی بیش نباشد، زیرا هماهنگی و توسعه روابط آنها می‌توانسته غرب را تا اندازه زیادی از منافعی که در آن زمان داشته یا بعداً در سایه تشنج و رقابت تسلیحاتی میان این دو کشور و به تبع آن میان همه کشورهای نفت‌خیز منطقه پدید می‌آمده محروم سازد.

البته غالباً اختلاف ایدئولوژیکی نیز بین دو کشور وجود داشته، اما به نظر می‌رسد این گونه اختلافات که در سطح بین‌المللی میان بسیاری

به تجدید قوای مسلح خود نیاز داشته. بعلاوه با توجه به وسعت خاک و موقعیت جغرافیائی ایران، این خریده‌ها موجه به نظر می‌رسد. به هر حال در میان کشورهای حوزه خلیج فارس (۶ کشور شورای همکاری، عراق و ایران)، بودجه دفاعی ایران نسبت به تولیدات ناخالص داخلی در پائین‌ترین حد است زیرا تنها ۲/۹ درصد تولیدات ناخالص داخلی به بودجه دفاعی اختصاص یافته اما عربستان سعودی ۲۳/۵ درصد یعنی قریب ۲۷ میلیارد دلار بودجه نظامی داشته است.

بنابراین رابطه ایران با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس همواره براساس احترام متقابل و توسعه همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی استوار بوده و جمهوری اسلامی ایران بویژه در دوران بازسازی و ترمیم خرابی‌های ناشی از جنگ تحمیلی خواهان

● جدول شماره ۲ - سهم مالیات در قیمت بنزین در کشورهای OCDE

کشور	۱۹۷۸	۱۹۹۱
آلمان	۵۷/۹	۶۷/۷
اتریش	۵۴/۱	۵۸/۱
استرالیا	۲۷/۷	۴۵/۷
اسپانیا	۲۲/۳	۶۵/۴
ایالات متحده	۱۹/۲	۳۲/۹
ایتالیا	۷۱/۲	۷۶/۰
ایرلند	۵۵/۰	۶۶/۲
بریتانیا	۵۰/۹	۶۶/۰
بلژیک	۶۱/۷	۶۶/۵
برتغال	۷۰/۶	۷۲/۲
دانمارک	۶۳/۷	۶۷/۸
ژلاندنو	۴۴/۴	۴۵/۴
ژاپن	۴۳/۴	۴۴/۹
سوئد	۵۱/۹	۶۷/۷
سوئیس	۶۳/۲	۵۹/۵
فرانسه	۶۳/۲	۷۵/۰
فنلاند	۴۶/۸	۶۱/۲
کانادا	۲۹/۴	۴۲/۲
لوکزامبورگ	نامعلوم	۵۴/۹
نروژ	۵۸/۵	۶۷/۴
هلند	۶۰/۵	۷۰/۰
یونان	۵۷/۶	۶۷/۶
ترکیه	نامعلوم	۵۶/۱

● منبع: آژانس بین‌المللی انرژی. ارقام مربوط به سال ۱۹۹۱ از:

«Donés sur le petrole et le gas» - A.I.E. OCDE- Paris 1992

● برای سال ۱۹۹۱ ارقام مربوط به آلمان غربی و آلمان شرقی است.

● جدول شماره ۳ بودجه دفاعی ۸ کشور حوزه خلیج فارس

عربستان	بحرین	امارات	کویت	عمان	قطر	عراق	ایران	
۲۶/۸۲۵	۰/۱۹۳	۴/۸۹۵	۱۷/۸۶۸ ب	۱/۴۳۴	۰/۹۳۴	۴/۰۰۵ ب	۴/۰۳۴ الف	بودجه دفاعی به میلیارد دلار
۲۳/۵	۵/۲	۱۵/۱	۵۴	۱۳/۸	۱۲/۲	۶	۲/۹	درصد بودجه دفاعی نسبت به تولیدات ناخالص داخلی

- ارقام مربوط به سال ۱۹۹۱ است. جز: الف: مربوط به سال ۱۹۹۰ و ب: مربوط به سال ۱۹۸۹
● منبع: ارقام این جدول از «L'Etat du Monde 1993 Ed. La decouverte» استخراج شده است.

جورج بوش در جریان سفرش به کویت، نمونه بارزی از این سیاست است. گذشته از اهداف داخلی و خارجی^{۱۶} که مدنظر مقامات واشنگتن بوده، این عمل برخلاف موازین بین‌المللی صورت گرفته و ایرادات اساسی^{۱۷} بر آن وارد است.

با توجه به اهداف آمریکا، مشروعیت ادامه تحریم‌های اقتصادی در مورد عراق می‌تواند مورد تردید قرار گیرد.^{۱۸} بدون شك ماجراجویی رژیم بعثی در تابستان ۱۹۹۰ و اشغال کویت بوسیله ارتش آن کشور که بی‌آمدهای ناگواری برای دولت همسایه و نیز برای کل منطقه داشته کاملاً مردود است، اما باید در نظر داشت که در پس این‌گونه ماجراجویی‌ها مسئله‌ای نهفته است که نیازمند نگرشی تازه می‌باشد. در این نگرش که می‌توان از آن باعنوان واقع‌بینانه یاد کرد، دستیابی عراق به آبهای خلیج فارس مطرح می‌شود.

مشکل می‌توان پذیرفت که کشوری به اهمیت عراق، درحالی که اقتصادش بستگی حیاتی به آزادی کشتیرانی در آبهای خلیج فارس دارد و برای صدور نفت خود از این آبراه بین‌المللی حداکثر استفاده را می‌کند نتواند حضوری مناسب در کرانه خلیج فارس داشته باشد و حتی آشکارا از حضورش جلوگیری شود و تنها راه آبی تحت حاکمیتش نیز محدود گردد.^{۱۹} از این‌رو خط مرزی عراق و کویت که کمیسیون سازمان ملل در آوریل ۱۹۹۲ (بهار ۱۳۷۱) پیشنهاد کرد می‌تواند نوعی تحریک به حساب آید و مخالفت مجلس عراق با آن در اردیبهشت همان سال تعجب‌آور نیست. این درحالی است که تعیین تکلیف این مرز از طریق فرمولهایی مانند اجاره طویل‌المدت مناطق (خاصه آنکه بین دو کشور عرب مسلمان است) واقع‌بینانه‌تر به نظر می‌رسد و قابل تأمل است.

فقدان جو سالم در منطقه باعث می‌شود که نیروهای بیگانه به حضور خود ادامه دهند و این امر بی‌تردید به زیان کشورهای منطقه است. البته رژیم عراق در این مورد مسئولیت غیر قابل انکاری دارد. عراق پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران خود را به عنوان نیروی برتر و جلودار کشورهای عرب جلوه داد و می‌خواست با زور خاک همسایه عرب خود را ضمیمه خاک خود کند غافل از آنکه چراغ قرمز ندادن‌های واشنگتن، دائمی خطرناک بوده است.

توسعه طلبی و محاسبات نادرست بعثی‌های عراق پای نظامیان آمریکا را به خلیج فارس گشوده است به گونه‌ای که مشکل بتوان قصد آنها را مبنی بر حضور فعال در منطقه، دست کم تا پایان دهه حاضر، مورد تردید قرارداد. ایالات متحده با بازی زیرکانه‌ای توانست به یکی از آرزوهای دیرینه‌اش که کنترل منابع نفت در این منطقه باشد دست یابد.

در واقع پس از فروپاشی بلوک شرق و بخصوص پس از اشغال نظامی کویت بوسیله عراق و بی‌آمدهای آن و نیز به علت تحلیل رفتن توان مالی آمریکا، آن کشور در پی حضور فعال در تمام دنیا به هر قیمتی نیست. سیاست خارجی ایالات متحده در این زمان بیش از پیش گزینش شده است، بدین معنا که در نقاطی که از لحاظ منافع آمریکا حائز اهمیت چندانی نیست حضور کمی اثر و نمادین دارند یا اینکه اصلاً حضور نداشتند (مانند بوسنی هرزگوین)؛ در عوض، در نقاط حساس (مانند منطقه خلیج فارس) به صورتی متمرکز عمل کرده و حضوری کاملاً فعال از خود نشان می‌دهند^{۱۵} و در این راستا در صورت لزوم برای توجیه حضور خود از ماجراجویی نیز پروا نخواهند کرد.

حمله موشکی ۲۹ ژوئن ۹۳ (۸ تیر ۱۳۷۲) به بغداد به بهانه تلافی سوء قصد نسبت به جان

نکند. در صورت موفقیت چنین طرحی، به نظر می‌رسد که با تنگ‌تر شدن حلقه محافظه کاران عرب در منطقه، دست به یک رشته ترفندها زیر پوشش ناسیونالیسم عرب از راه فشار آوردن به جمهوری اسلامی ایران (بخصوص در زمینه اختلافات مرزی) زده شود. در آن صورت، با توجه به پشتیبانی بیگانگان از دوستانشان در منطقه، جمهوری اسلامی خود را در برابر جبهه وسیع و کم‌وبیش یکدستی خواهد یافت که شکستن آن کار ساده‌ای نخواهد بود. بدون آن که خواسته باشیم درباره احتمال پیش آمدن چنین وضعی پیش‌گویی کنیم، لازم می‌دانیم آن را به عنوان فرضیه‌ای مورد توجه قرار دهیم. نکته دوم مربوط به فرضیه‌ای است که در آن رژیم بعثی عراق با تطبیق کلی سیاستهای با سیاستهای غرب، همچنان با برجا بماند و توان از دست رفته را نیز کم‌وبیش بازیابد. در آن صورت شاید درصد برآیند با استفاده از اهرم‌های مختلف قراردادی شبیه قرارداد الجزیره را، البته این بار در جهت معکوس، شکل دهند. بدین ترتیب لازم است که ایران تحت شرایط حاضر و پیش از آن که عراق به خیال خودش دارای برگ برنده^{۱۲} شود، دست به اقدامات لازم بزند چرا که آینده عراق درهاله‌ای از ابهام فرو رفته است.

ناگفته پیداست که جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند نسبت به سرنوشت و آینده عراق منفعل بماند و تلاش‌هایی که یکپارچگی آن کشور را تهدید می‌کند مورد تایید قرار دهد. لذا بسیار معقول است که ایران انتظار داشته باشد حمایتش از یکپارچگی و تمامیت ارضی عراق و مخالفتش با از هم پاشیدگی آن کشور با پاسخ مناسبی از سوی بغداد روبرو شود و آن چیزی نیست مگر اعلام آمادگی عراق برای عقد پیمان صلح میان دو کشور همسایه. بنابراین، به نظر می‌رسد که حمایت ایران از یکپارچگی عراق باید منوط به برقراری صلحی پایدار مطابق مواد مندرج در قرارداد الجزایر ۱۹۷۵ باشد و بر رهبران عراق است که از فرصت به دست آمده استفاده کنند. واضح است که در آن صورت ایران و عراق بعنوان دو محور تعیین کننده صلح و امنیت خلیج فارس می‌توانند با اعلام پایبندی خود به حق حاکمیت همسایگان و نیز احترام به اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها به تشنج‌زدائی در منطقه کمک کنند و با گشودن فصل جدیدی از همکاری‌ها زمینه را برای ایجاد تحرك جدید اقتصادی در پرتو صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز فراهم سازند.

در واقع اگر قبول داشته باشیم که امنیت خلیج فارس تنها با توسل به یک نظام دستجمعی میسر است، و اگر بپذیریم که تمامی کشورهای ساحلی باید در تأمین امنیت آن شرکت داده شوند، چگونه می‌توان یکی از آنها را، که وزنه بی‌اهمیتی هم نیست، از برنامه کنار گذاشت و در همان حال فرض کرد که امنیت منطقه تأمین خواهد شد؟

بنابراین، هر معادله امنیتی که پارامترهای اساسی را در نظر نگیرد ضرورتاً معادله‌ای نادرست است و نه ثبات، که ناپایداری را در منطقه گسترش خواهد داد.

در پایان باید گفت که تحقق نکاتی که در بالا به آن اشاره شد نیاز به تحولاتی دارد که تنها به خود عراق مربوط می‌شود. با توجه به اوضاع جهان و ترکیب شورای امنیت سازمان ملل و توازن قوا در منطقه به نظر می‌رسد که پیش شرط هرگونه برنامه‌ای که به بازگشت عراق به صحنه سیاست بین‌المللی منجر شود مستلزم تغییراتی در کادر رهبری آن کشور و چشم‌پوشی عراق از توسعه‌طلبی در منطقه می‌باشد. بخصوص به نظر می‌رسد که وجود شخص صدام حسین در رأس امور عراق مانعی اساسی برای نرمش دیگران در قبال آن کشور محسوب می‌شود.

دفاع از تمامیت ارضی و یکپارچگی عراق قبل از همه بر عهده مسئولان آن کشور است.

برآن‌هاست که با اتخاذ سیاستهای سنجیده و ایجاد پاره‌ای تغییرات در کادر رهبری، حاکمیت تمام عیار دولت را که هم‌اکنون محدود به مناطق مرکزی کشور شده است، به سرتاسر سرزمین عراق گسترش دهند و جلوی هر اقدامی را که ممکن است قدم اول در راه تلاشی عراق باشد سد نمایند. احتمالاً تا آن زمان، قطعنامه‌های شورای امنیت و تحریم اقتصادی عراق که متأسفانه فشار اصلی‌اش بر گرده مردم مسلمان آن کشور است با کمترین انعطاف اجرا خواهد شد.

زیرنویس‌ها

۱. کلمه کلیت برای رساندن مفهوم entite انتخاب شده است.
۲. این اصطلاح را وزیر امور خارجه اسبق فرانسه آقای «میشل ژوبر» به کار برده است.
۳. عربستان سعودی که قطر و بحرین از اودنباله‌روی می‌کنند سیاست افزایش تولید اوپک را سرمداری کرده و مخالف افزایش بهای نفت است. سیاست امارات متحده عربی که مخالف کاهش بهای نفت خام است اعتدال بیشتری دارد و بالاخره کویت تا قبل از

جنگ خلیج فارس بعضاً از افزایش بهای نفت صادراتی حمایت کرده است.

۴. غیر از عمان بقیه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس عضو سازمان اوپک نیز می‌باشند.

۵. تولید نفت کویت در حال حاضر بیش از یک میلیون بشکه در روز است. این کشور قبل از حمله عراق ۱/۸ میلیون بشکه در روز تولید داشت.

۶. لوموند، 23/1/1993، «Lemonde»

۷. از ۲۱ تیر ماه ۱۳۷۲ مالیات داخلی بر تولیدات نفتی در فرانسه باز هم افزایش پیدا کرد و در نتیجه، سهم مالیات در قیمت بنزین به ۸۰ درصد رسید. در میان کشورهای توسعه یافته در حال حاضر فرانسه اولین مقام را در این زمینه دارد.

۸. اسامی این مناطق به قرار زیر است: ۱- «عصیر» ۲- «نجران» ۳- «جیزان».

۹. کشورهای «شورای همکاری خلیج فارس» نیروی نظامی مشترکی را در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) به وجود آوردند که به «سهرشبه جزیره العرب» موسوم است. این نیرو دارای قریب ۴۰۰۰ سرباز می‌باشد.

۱۰. اختلاف بر سر جزیره «حوار» و نیز بر سر منابع زیردریایی «دیبیل» و «قیطات».

۱۱. اختلاف بر سر مناطق قاروه و ام‌المرادم.

۱۲. برای نمونه می‌توان شکایت عراق از ایران به سازمان ملل در نوامبر ۱۹۳۴ یا تشنجات سیاسی میان دو کشور در سال ۱۳۴۷ را ذکر کرد.

۱۳. مراجعه شود به مصاحبه شاه در ۷ آذر ۱۳۳۸.

۱۴. Atout - منظور برگ برنده و یا امتیاز است. بیشتر به امتیازی گفته می‌شود که بتوان بعداً از آن تا حد سوء استفاده بهره برداری کرد.

۱۵. یکی از ویژگی‌های حضور آمریکاییان در منطقه خلیج فارس این است که به خرج دیگران از منافع خود پاسداری می‌کنند.

۱۶. حمله موشکی تیر ۷۲ به بغداد. در صحنه سیاست خارجی، آمریکا اهداف زیر را دنبال می‌کرد: ۱- متشنج کردن منطقه برای توجیه حضور نظامی خود، ۲- این که سیاست خارجی آمریکا پس از انتخابات ریاست

جمهوری تغییری نکرده و این که کلینتون سیاست بوش را دنبال خواهد کرد، ۳- این که عراق برای بازگشت به صحنه سیاست بین‌المللی راهی جز «کوتاه آمدن» ندارد، و ۴- به کشورهایی که در «فهرست

حامیان تروریسم» قرار دارند هشدار داده باشد که چه بسا از این به بعد با آنها نیز چنین رفتاری خواهد شد.

۱۷. اشکالات اساسی این حمله: ۱- حمله موشکی در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت در مورد عراق نمی‌گنجد، ۲- تصمیم در مورد انجام این حمله نه از طرف شورای امنیت سازمان ملل بلکه رأساً از طرف

ایالات متحده اتخاذ شده است و لذا به عنوان تجاوز به عراق قابل تعقیب از طریق مجاری بین‌المللی می‌باشد، ۳- به فرض صحت ادعاهای آمریکا، اصولاً نمی‌توان سوء قصدی را با حمله نظامی پاسخ گفت.

اگر چنین بود، در دوران جنگ سرد جهان به هم می‌ریخت. و ۴- بالاخره چگونه ایالات متحده می‌تواند در آن واحد هم مدعی، هم بازپرس، هم دادستان، هم قاضی و هم مجری حکم باشد؟ نمی‌گوئیم قانونگذار هم بوده است.

۱۸. از سر گرفته شدن صادرات نفتی عراق در شرایط فعلی بازار ممکن است به پائین آمدن مجدد بهای نفت منجر شود. با این حال مخالفت با لغو تحریم نفتی عراق بیشتر به کوتاه بینی سیاسی شبیه است تا یک استراتژی دراز مدت زیرا بالاخره این کشور روزی - که چندان هم دور نمی‌نماید - صدور نفت خام خود را از سر خواهد گرفت.

۱۹. بر اساس پیشنهاد کمیسیون تعیین خطوط مرزی بین دو کشور، علاوه بر سپردن بخشی از «ام القصر» به کویت، خط مرزی جدید دو کشور در طول نوار ۲۰ کیلومتری، ششصد (۶۰۰) متر به نفع کویت به عقب رانده می‌شود.

منابع

الف - منابع فارسی

- آشتی - نصرت‌الله. «ساختار حکومت عربستان سعودی»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی - چاپ دوم ۱۳۷۱ (با توجه به تغییراتی که در منطقه صورت گرفته در مورد برخی از مسائل با احتیاط بیشتری مطالعه شود).
- امیر احمدی - هوشنگ. «نظم نوین جهانی - جنگ خلیج فارس و تلاش ایالات متحده برای رهبری جهان» در اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره‌های ۵۵، ۵۸ و ۵۷ - ۱۳۷۱.
- ایرانی. م. «شورای همکاری خلیج فارس - شکل‌گیری و اهداف» در کیهان ۲۹ آذر ۱۳۷۱.

- پارسادوست - منوچهر. «ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق»، شرکت سهامی انتشار - چاپ ۴ بهار ۱۳۶۹.

ب - منابع فرانسوی

- «Données sur le petrole et le gaz» A.I.E. - OCDE, Paris, 1992.
- «L'Etat du Monde» Ed. La découverte, 1993.
- «Le Monde - Dossiers et document» - Juillet - Août, 1993.
- «Ramses - 1992» I.F.R.I. - Paris, 1991.
- «Ramses - 1993» I.F.R.I. - Paris, 1992.
- Rapport Annuel de l'O.N.U. - 1992.
- Sarkis - N.: «Petrole: l'arme des Prix» in Politique Internationale, No 42, Hiver 1988/89.